

پاسخ به چند پرسش درباره احادیث ساختگی (موضوع و مجعول)^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۲

آیه الله رضا استادی^۲

چکیده

وجود احادیث جعلی در بین روایات رسول خدا ﷺ و ائمه هدی  واقعی غیر قابل انکار است. در این نوشتار درباره آغاز جعل حدیث، کیفیت حدیث جعلی، معیار بازشناسی روایات ساختگی عمدی از غیر عمدی و وجود روایات جعلی در کتب معتبر حدیثی پرسش‌هایی طرح شده است و پاسخی شایسته یافته است. دستاورد مقاله حاضر آن است که روایات جعلی عمدی در بین روایات شیعه و سنی قبل از تدوین کتب حدیثی فراوان بوده است ولی فقها و محدثان با راهنمایی اهل بیت  روایات جعلی را از میراث حدیثی پاکسازی کرده اند و از این رو دانشمندان شیعی از توصیف روایت جعلی در کتب معتبر شیعی - جز در مواردی قطعی - باید پرهیز کنند. کلیدواژه‌ها: احادیث مجعول، موضوعات، حدیث شناسی..

مقدمه

درآمد

۱. آشنایی حقیر با مرحوم علامه سید مرتضی عسکری و لطف آن بزرگوار به بنده به سال ۱۳۵۰ ش، برمی‌گردد و از آن تاریخ تا پایان عمر ایشان ارادت ما و لطف ایشان ادامه داشت. گاهی برخی تألیفات خود را می‌دادند و می‌گفتند حتماً بخوانید و گاهی در صدد بودند که راه و رسم عملی تحقیق را به ما بیاموزند و تجربیات خود را برای ما بیان فرمایند. در یک سفر که از مدینه منوره تا مکه معظمه خدمتشان بودم، مطالبی ارائه کردند که گواه قطعی بر شدت ولایت و محبتشان نسبت به اهل بیت  بود. تألیفات ایشان همه هدفمند و در راه دفاع از

۱. از کتاب‌هایی که در این زمینه بحثی سودمند دارد کتاب مقباس الهدایه مامقانی  و مستدرک آن است که در هفت جلد چاپ شده است.

۲. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم. (ostadireza@yahoo.com)

مکتب شیعه و پاسخ به مخالفان بود. یکی از آثار آن عالم آشنا به زمان درصیانت از قرآن کریم کتاب القرآن الکریم و روایات المدرستین (الکتاب الثالث) است که در سال ۱۳۷۸ ش، چاپ شد و نسخه ای هم به بنده مرحمت کردند. این کتاب، با تحقیقی گسترده، بی اعتبار بودن کتاب فصل الخطاب نوری را - که مخالفان، آن را دستاویز کوبیدن شیعه قرار داده بودند - ثابت کرد.

آثار آن بزرگوار در عراق و ایران از تألیف و تربیت شاگردان و نیز تأسیس دانشکده‌ها در تهران و قم و دزفول بسیار ارجمند و موجب تقویت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. رحمة الله علیه و رضوانه.

۲. همان طور که انکار وجود احادیث ساختگی میان روایات سنی و شیعه از نظر دانشمندان اسلامی، انکار بدیهی به شمار می آید، از طرفی هم رد هر حدیثی که مورد پسند ما و یا برخی از قشرها نباشد، به ادعای جعلی بودن، نیز قابل قبول نیست و متأسفانه بعضی از افراد گرفتار این اشتباه شده و نسبت به احادیث و ساختگی بودن آن‌ها، بدون دقت کافی داوری می نمایند و گاهی هم این اشتباه تکرار می شود.

بنده در سال ۱۳۷۸ ش، مصاحبه ای کردم که در شماره ۱۱ مجله علوم حدیث چاپ شد. در بخشی از آن مصاحبه باید می گفتم که اصل بودن احادیث ساختگی مسلم است، اما این که مثلاً به گفته برخی ها و نیز به مضمون برخی روایات این احادیث ده ها هزار، بلکه صدها هزار باشد، نیاز به تحقیق دارد و ضمناً باید توجه داشت که فقها و محدثان شیعه هنگام تدوین کتاب های حدیثی معتبر تا آنجا که تشخیص داده اند، احادیث جعلی را کنار گذاشته و به تعبیری کتاب های خود را تهذیب و پاک سازی کرده اند. بنابراین، ادعای ساختگی بودن احادیث موجود در کتاب های حدیثی شیعه ادعای آسانی نیست و در این داوری لازم است دقت و حتی احتیاط شود؛ اما ظاهراً به خاطر اشتباه بنده و یا نارسایی بیان و عدم توضیح لازم، از مصاحبه مطلبی برداشت شده بود که مورد قبول علامه عسکری نبود. لذا پس چاپ این مصاحبه، علامه عسکری رحمته‌الله در شماره ۱۳ مجله، طبق وظیفه و بدون ملاحظه این که بنده از ارادتمندان ایشان هستم، با فرستادن یادداشتی، مصاحبه مزبور را با عبارت زیر مورد نقد قرار دادند:

در پاسخ به حضرت آیه الله استادی - اطال الله بقاءه - عرض می نمایم: آیا شما کتاب

«ابوهریره» علامه فقیه آیه الله شرف الدین - رضوان الله تعالی علیه - [که ساختگی

بودن ده‌ها روایت را یاد کرده] و دو جلد کتاب «احادیث أم المؤمنین عایشه» [که ساختگی بودن چه مقدار حدیث را در آن یاد کرده‌ام] و نیز «الاخبار الدخيلة» علامه تستری [که موضوع آن معرفی ساختگی بودن تعدادی از روایات است] و نیز کتاب «الموضوعات» ابن جوزی [که فقط مربوط به احادیث جعلی است] و مانند آن‌ها را خواننده‌ای و این چنین فرمایشات را می‌فرماید؟

و السلام علیکم جمیعاً من السید المرتضی العسکری

چهارم شهر رمضان ۱۴۲۰ق

بعد از این تاریخ، مصاحبه مزبور دوبار یا بیشتر چاپ شد، اما آن بخش را که مورد اعتراض علامه عسکری رحمته بود، حذف کردم و یادآور شدم که چون بخشی از این مصاحبه مورد اعتراض قرار گرفته، آن بخش حذف شد؛ یعنی انتقاد آن بزرگوار را پذیرفتم. البته لازم بود که در همان زمان خدمت ایشان می‌رسیدم و اگر توضیحی داشتم، عرض می‌کردم؛ اما متأسفانه کوتاهی شد که از این بابت هم باید پوزش بخواهم. نزدیک ماه رمضان امسال ۱۴۴۲ق، و ۱۴۰۰ش، از طرف مجله علوم حدیث از من خواسته شد که مقاله‌ای تقدیم کنم. بهتر دیدم که در این فرصت، نظر خود را درباره جعل حدیث، در ضمن چند پرسش و پاسخ ارائه دهم تا اگر در آن مصاحبه اشکالی بوده (که ظاهراً بوده) و یا از عبارات حقیر مطلب نادرستی برداشت شده و حقیر مقصر بوده‌ام، عذرخواهی و جبران نمایم.

پرسش اول

جعل حدیث از چه زمانی آغاز شد و تا چه وقت ادامه داشته است؟

پاسخ

از روایات نقل شده از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام برمی‌آید که از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع و پس از آن حضرت هم ادامه یافته و از این جهت آن بزرگوار بسیار نگران هم بوده است. از علی علیه السلام نقل شده است:

قد کذب علی رسول الله صلی الله علیه و آله عهده حتی قام خطیباً، فقال: ایها الناس! قد کثرت علی الکذابة، فن کذب علی متعمداً فلیتوبوا معقده من النار^۱

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۷.

سپس علی علیه السلام افزوده:

ثم كذب عليه من بعده.

این روایت هم بر شروع از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم بر ادامه آن بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دلالت دارد. همچنین در خطبه ۲۱۰ نهج البلاغه از علی علیه السلام نقل شده است:

ولقد كذب علي رسول الله صلی الله علیه و آله علي عهده حتى قام خطيباً، فقال: من كذب علي متعمداً فليتبوأ مقعده من النار.

در کتاب ارزنده جایگاه آتشین جزای نسبت داده دروغ به پیامبر صلی الله علیه و آله تألیف دانشمند گرامی آقای حسن سپهری^۱ همین حدیث: «من کذب...» از هفتاد و چند راوی نقل شده و به همین خاطر برخی از بزرگان علم حدیث این روایت را از روایات متواتر به شمار آورده‌اند. در روایت الکافی و نهج البلاغه و نیز روایت منقول از کتاب آقای سپهری چند نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

نکته اول، این که در روایات غالباً «کذب» آمده و گاهی «یکذب». در هر دو صورت، کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله شامل زمان بعد از رحلت خودش هم می‌شود.

نکته دوم، ممکن است مقصود از کثرت در جمله «کثرت علی...» فراوانی گسترده باشد (مثلاً صد مورد). نیز ممکن است محدود بوده، اما از همان موارد محدود (مثلاً ده مورد) به کثرت تعبیر شده است؛ زیرا گاهی در مسائل بسیار مهم عدد کم هم کثیر شمرده می‌شود؛ مثلاً در یک شهر که نباید اصلاً دزدی باشد، همین که چند مورد دزدی تحقق یافت، گفته می‌شود: «کثرت السرقة». به نظر بنده در حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله احتمال دوم قوی‌تر است.

نکته سوم، در عبارت «ثم كذب عليه من بعده» در حدیث الکافی بدین معناست که جعل حدیث بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز ادامه پیدا کرده است.

نکته چهارم، «کلمه متعمداً» حاکی از این است که نسبت دادن اشتباهی مطلبی و حدیثی (مثل اشتباه در نقل به معنا) به آن حضرت غیر از جعل عمدی است؛ چون این قبیل اشتباهات در نقلیات طبیعی است و گاهی از برخی از اهل تقوا و صلاح هم سر می‌زند. همین امر باعث شده که برخی از فقهای بزرگ در مورد روایتی که احتمال جعلی بودن آن را می‌دهند، تعبیر «جعل» را به کار نبرند؛ چون احتمال دارد که اشتباه باشد، نه جعل. در این

۱. چاپ ۱۳۸۷ که به تازگی زیارت شد.

موارد گاهی می‌گویند:

یرد علمه الهم عَلَيْهِ.

پرسش دوم

آیا این‌که گفته شده آغاز جعل حدیث از دوران معاویه بوده، درست است نه؟

پاسخ

گفتیم که آغاز آن در زمان حیات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده و بعد از رحلت ایشان هم ادامه پیدا کرده است. در اینجا مناسب است توضیحی ارائه شود:

گرچه ممکن است بگوییم تا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قید حیات بود، جعل عملی اتفاق افتاده بود، ولی بسیار فراوان نبود؛ اما بعد از رحلت او گروهی که در صدد برآمدند تا وصیت آن حضرت و حدیث غدیر و امثال آن را نادیده گرفته و مقام خلافت را غصب کنند، یکی از ابزار کارشان جعل حدیث و ساختن فضایی شبیه فضایل امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام و غیر آن برای افرادی از صحابه و یا گاهی جمیع صحابه بود. یک نمونه واضح جعل حدیث، آن‌که توسط خود خلیفه اول انجام شد و این راه برای دیگران هم باز بود، حدیث جعلی «نحن معاشر الأنبياء لا نورث و ما تركناه صدقة» است و هیچ جای تعجب نیست که افرادی که اساس کارشان مخالفت با خواسته رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد، به هرکاری - که یکی از آن‌ها جعل حدیث است - دست بزنند.

پس این‌که گفته شود آغاز جعل حدیث از زمان معاویه بوده، درست نیست؛ اما باید گفت در زمان معاویه این کار شدت پیدا کرد؛ چون دستور حکومتی بود که باید حدیث جعل شود.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می‌نویسد:

ثم كتب الى عماله: ان الحديث في عثمان قد كثرو فشا في كل مصروفي كل وجه و ناحية، فاذا جاءكم كتابي هذا فادعوا الناس إلى الرواية في فضائل الصحابة و الخلفاء الأولين، و اتركوا خبراً يرويه احد من المسلمين في ابى تراب ألا و تأتوني بمنقض له في الصحابة.^۱

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۴.

باید گفت متأسفانه بعد از بنی امیه بازار جعل حدیث داغ تر شد؛ چون بنی عباس، جز در مواردی کوتاه، نمی گذاشتند مردم با اهل بیت علیهم السلام تماس بگیرند و با حقایق آشنا شوند و در مقابل، به عالمان درباری و مخالف مکتب اهل بیت میدان می دادند. این موضوع و برخی عوامل دیگر موجب شد که آنچه در صد سال اول جعل شده بود، در میان مردم منتشر شود و باقی باشد و روز به روز هم به آن افزوده گردد؛ هر چند حضرات ائمه علیهم السلام هم در حد میسور هشدار می دادند.

در کتاب مستدرک مقباس الهدایة از المعتمر محقق حلی رحمته الله نقل شده است:

ورد عن اهل البيت سلام الله عليهم: ان لكل رجل منا رجل يكذب عليه.^۱

و در همان کتاب از رجال الکشی نقل شده است:

عن الصادق عليه السلام: انا اهل البيت صدیقون لا نخلو من كذاب يكذب علينا و يسقط صدقتنا بكذبه.^۲

و نیز از امام صادق عليه السلام نقل شده است:

ان المغيرة بن شعبة (سعید) - لعنه الله - قد دس في كتب اصحاب أبي احاديث لم يحدث بها ابی.^۳

و نیز از حضرت رضا عليه السلام است:

ان ابا الخطاب كذب علي ابی عبد الله عليه السلام، لعن الله ابا الخطاب و كذلك اصحاب أبي الخطاب، يدسون هذه الاحاديث إلى يومنا هذا في كتب اصحاب أبي عبد الله.^۴

پرسش سوم

آیا مقصود از حدیث مجعول همواره مجعول بودن متن حدیث است یا احیاناً مقصود جعلی بودن سند روایت است؟

پاسخ

در موارد فراوانی و به انگیزه های گوناگونی - که در کتاب های درایه توضیح داده شده -

۱. مستدرک مقباس الهدایة، ج ۳۷، ص ۶.

۲. رجال الکشی، ج ۲، ص ۵۹۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۸۹.

۴. مستدرک مقباس الهدایة، ج ۳۸، ص ۶، به نقل از رجال الکشی.

می خواستند متنی را جعل کنند که با آن، کارهای خلاف خلفا و برخی صحابه و یا بنی عباس را توجیه کند و یا از عظمت اهل بیت علیهم السلام و معارف اهل بیت بکاهند و یا مجوزی برای ظلم به شیعه در اختیار ظالمان قرار دهند و...

اما در مواردی هم برای اثبات محدث بودن - که در آن زمان ها دارای موقعیت خاصی بود - متن غیر جعلی را با سند جعلی نقل می کردند؛ مثلاً کسی که می گفت من حافظ سیصد هزار حدیث هستم تا از حفاظ به شمار آید و یک حدیث را با سی چهل سند - که همه یا بیشتر آن ها جعلی بود - نقل می کرد. در این موضوع برخی از دانشمندان سنی کتابی هم تألیف کرده و شاید نمونه هایی را هم یاد کرده باشند. کتاب صد و پنجاه صحابی ساختگی علامه عسکری رحمته الله این مطلب را تأیید و ثابت می نماید. البته گاهی هم متن و هم سند و گاهی یکی از این دو جعلی است.

پرسش چهارم

بنا بر آنچه گفته شد و نیز مطالبی که در برخی کتاب های درایه و غیره آمده و نیز روایان فراوانی که در کتاب های رجال به عنوان واضع و وضع معرفی شده اند، باید بپذیریم که روایات جعلی و نیز روایاتی که جاعل عمدی نداشته، اما به اشتباه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نسبت داده شده در روایات سنی و شیعه فراوان بوده است. سؤال چهارم این است که آیا می توان عددی برای آن ذکر کرد و یا حدس زد؟

پاسخ

فراوان بودن و بسیار بودن جای تردید نیست، اما برخی از اعدادی که گفته شده، به احتمال قوی اگر از دوست باشد، مبالغه است و اگر از دشمن باشد، غرضی، مانند بی اعتبار ساختن کلمات اهل بیت علیهم السلام، در کار بوده است.

در مقباس الهدایة از یکی از حفاظ حدیث نقل شده که گفت:

زناده به دروغ چهارده هزار حدیث به رسول خدا نسبت داده اند [و این احادیث با احادیث واقعیت دار مخلوط گردیده است].^۱

یا هنگامی که می خواستند ابن ابی العوجاء را اعدام کنند، گفت:

۱. مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۴۱۳.

در میان شما چهار هزار حدیث جعل کرده که در آن‌ها حلال را حرام و حرام را حلال کرده‌ام.

علامه امینی در جلد پنجم کتاب ارجمند الغدیر، فرموده است:

از کتاب‌هایی که به عنوان الاحادیث الموضوعه در اختیار است، برمی‌آید که عدد این احادیث تا حدود صد هزار بوده است.

پرسش پنجم

آیا برای تشخیص روایات ساختگی عمدی و غیر عمدی معیاری وجود دارد؟ و در طول سه قرن، یعنی زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام در این زمینه کاری شده است؟ و هنگام تدوین احادیث در کتب حدیثی آیا محدثان سنی و شیعه به فکر پاک‌سازی روایات بوده و عملی انجام داده‌اند؟ زیرا همه می‌دانستند که نقل حدیث جعلی گناهی بس بزرگ بوده و ناقل آن هم، به عبارتی از واضعین به شمار می‌رفته است.

پاسخ

در پاسخ به این پرسش‌ها باید درباره شیعه و سنی و احادیث و محدثان آنان جدا جدا بحث شود؛ زیرا برخورد آنان با روایات جعلی در مواردی بسیار متفاوت است و ممکن نیست در یک راستا پاسخ داد.

در کتب شیعه

درباره وجود روایات جعلی در کتب شیعه باید گفت که اولاً رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام هشدار داده بودند که احادیث جعلی هم هست و ثانیاً برخی از افراد دروغ‌ساز را معرفی کرده بودند و ثالثاً معیاری برای تشخیص روایات جعلی بیان کرده بودند. لذا لزوم پاک‌سازی روایات توسط پیروان اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده بود؛ مثلاً در بیان معیار، این روایات را به عنوان نمونه داریم.

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: إذا اتاكم عنی حدیث فاعرضوا علی کتاب الله و حجة عقولكم فان وافقهما فاقبلوه.^۱

قال أبو جعفر علیه‌السلام و أبو عبد الله علیه‌السلام: لا تصدق علينا الا ما وافق كتاب الله و سنة نبیه.^۲

۱. تفسیر أبو الفتوح، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۸۹.

عن العبد الصالح عليه السلام قال: اذا جاءك الحديثان المختلفان فقسهما على كتاب الله و
أحاديثنا فان الشبههما فهو حق وان لم يشبها فهو باطل.^۱

نیز در کتاب‌های درایه، خوشبختانه علمای شیعه از قدیم راه‌های متعددی برای
تشخیص یاد کرده‌اند و با استفاده از همه راه‌ها تا آنجا که توانسته‌اند روایات را پاک‌سازی
نموده‌اند و به عنوان کتب اربعه و یا کتاب‌های حدیثی معتبر در اختیار حوزه‌های علمیه و
محققان شیعه قرار دارد.

این‌که شیخ صدوق رحمته الله در آغاز کتاب من لا یحضره الفقیه می‌گوید: من طبق این چند هزار
روایت فتوا می‌دهم، یعنی این روایات را معتبر و سند می‌دانم، به خاطر این است که او بعد از
پاک‌سازی روایات این کتاب را تدوین کرده است.
و یا اگر شیخ کلینی رحمه الله علیه در آغاز کتاب الکافی - که شامل شانزده هزار روایت
است - می‌گوید:

وقلت انک تحب ان یکون عندک کتاب کاف... یاخذ منه من یرید علم الدین و
العمل به بالآثار الصحیحة عن الصادقین عليهما السلام.

به خاطر این است که پس از پاک‌سازی کتاب الکافی را تدوین کرده است.
و همین‌طور سایر کتاب‌های روایی ما مانند کامل الزیارات و تفسیر القمی اصلی و المزار
این مشهدی و برخی کتاب‌های شیخ صدوق و غیره، همه بعد از مرحله پاک‌سازی تدوین
شده و تا آنجا که تشخیص داده‌اند، روایات جعلی و بی‌واقعیت را کنار گذاشته‌اند. البته
همه کتب روایی ما این‌طور نیست و در طول تاریخ باز هم فقها و محدثان ما در صدد بوده‌اند
که اعتبار و عدم اعتبار روایات را به طریقی بیان کنند. نکته مهم این‌که در بین تألیفات شیعه
کتاب و رساله‌ای که عنوانش «الموضوعات» باشد، نداشته و یا بسیار کم داشته‌ایم و اخیراً
هم که علامه شوشتری کتاب چهار جلدی الاخبار الدخیله را تألیف کرده، با توضیحی که
بنده در مقاله‌ای ارائه داده‌ام، فقط توانسته تعداد کمی از روایات را جعلی بداند.
پس می‌توانیم بگوییم در میان روایات منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایات جعلی
فراوان بوده، اما به همت و تلاش علمای بزرگ در کتاب‌های معتبر فعلی شیعه، اگر حدیث جعلی
هم باشد، بسیار کم است و با معیارهایی که در دست است، می‌توان تشخیص داد.

و اما سنی‌ها

سنی‌ها در این‌که احادیث جعلی فراوان بوده، با ما موافق هستند و در کتاب‌هایشان افراد فراوانی را به عنوان واضع و وضاع حدیث معرفی نموده و کتاب‌های فراوانی هم (حدود چهل کتاب) به عنوان الموضوعات تألیف کرده؛ مانند تذکرة الموضوعات مقدسی، الموضوعات الكبرى ابن جوزی، اللئالی المصنوعة سیوطی، تمییز الطیب من الخبیث ابن الربیع، الدر الملتفت صنعانی، التعقیبات علی الموضوعة شوکانی و... دارند.

اما در مرحله تدوین، کتاب‌های حدیثی روایات جعلی را - که مخالف حدیث ثقلین بوده - از روایات خود حذف نکرده‌اند. البته این هم طبیعی است؛ زیرا محدثان سنی آن دوره‌ها همه مخالف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و زمینه‌ساز تثبیت خلافت غصبی و احیاناً از درباری‌های بنی امیه و بنی عباس بودند و علاوه بر این، روایات اهل بیت علیهم‌السلام را تا حدّ زیادی حذف و سانسور نموده‌اند. نمونه آن بخاری است که حتی یک حدیث هم از امام صادق علیه‌السلام در صحیح البخاری نیاورده است.

می‌توان گفت که به جای کنار گذاشتن احادیث جعلی مخالف اهل بیت علیهم‌السلام، احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را - که به حکم حدیث ثقلین باید به آن‌ها متمسک باشند - کنار گذاشتند و امت اسلام را از برکات رجوع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام محروم ساختند.

پرسش هشتم

آیا با در نظر گرفتن کاری که مانند کلینی رحمته‌الله و صدوق رحمته‌الله و غیره انجام داده‌اند، باز هم می‌توان گفت که در کتب روایی ما روایت جعلی هم هست؟

پاسخ

این‌که با قرآینی تشخیص داده شود که در موارد بسیار نادر، حتی در کتب اربعه ما حدیث جعلی هم باشد، بعید نیست؛ اما فقها و محدثان ما جز در موارد قطعی، از توصیف روایت موجود در کتب معتبره ساختگی بودن اجتناب کرده و فقط می‌گویند حجت نیست و اعتبار ندارد. گویا سرّش این است که احادیث مخالف با واقع، همه جا دچار جعل عمدی نیست، بلکه گاهی عوامل دیگر، مانند اشتباه در نقل به معنا کردن پیش آمده است؛ در حالی که راوی آن شخص صدوق و ثقه بوده است و یا روایت از خود معصوم صادر شده، اما تقیه است و راوی متوجه تقیه بودن آن نشده و به عنوان روایتی قابل استناد نقل کرده است.

نتیجه این بحث‌ها

۱. روایات جعلی عمدی در بین روایات سنی و شیعه قبل از تدوین کتب حدیثی بسیار فراوان بوده است.
۲. فقها و محدثان شیعه با استفاده از راهنمایی‌های اهل بیت علیهم‌السلام هنگام تدوین کتاب‌های حدیثی، آن‌ها را از روایات جعلی پاک‌سازی کرده‌اند.
۳. علمای اهل تسنن به جای این‌که به حدیث ثقلین تمسک کرده و هر چه مخالف مکتب اهل بیت است، حذف کنند، آنچه را که شاهد حقانیت مکتب تشیع است، کنار گذاشته‌اند.
۴. دانشمندان شیعه نسبت به احادیث کتاب‌های معتبر شیعه، جز در موارد جعلی بودن قطعی، بهتراست از توصیف روایت به جعلی بودن پرهیز نمایند.

کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال (رجال الکشي)، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: السيد مهدي الرجائي، قم: مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح حسین بن علی رازی، تحقیق، محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، بیروت: دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه، الأولى، ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب اسلامیه، پنجم، ۱۳۶۳ش.
- مستدرک مقباس الهدایة، عبدالله مامقانی، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- مقباس الهدایة فی علم الدراية، عبدالله مامقانی، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: دلیل ما، ۱۳۹۳ش.
- وسائل الشیعة، محمد حسن حر عاملی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.